

ویرده نامه

ولادت امام جواد علیہ السلام



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم  
روابط عمومی

# السلام علیکم و آلهتکم و سلم

## امام جواد علیه السلام و بحث‌های آزاداندیشی

بوده‌اند. مجموعه مناظرات و بحث‌های آزاداندیشی آنان در کتاب احتجاج جمع‌آوری شده است.

در زمان حضرت باقر علیه السلام و حضرت صادق علیه السلام که نقل حدیث آزاد شد و بحث‌های آزاداندیشی زمینه پیدا کردند، مناظرات و مباحثات به صورت علنی شروع شدند؛ اما اوج این حرکت در زمان دو امام همام بوده است: یکی حضرت رضا علیه السلام که مناظرات به شدت رواج یافتند و دیگری حضرت جواد علیه السلام.

گرایش جامعه اسلامی و محافل علمی و دینی به بحث و گفتگو نشان‌دهنده راهیابی مباحث مختلف فلسفی و کلامی به حوزه محافل اسلامی و همچنین رشد روحیه کاوشگری در میان مسلمانان است.

از سوی دیگر استقبال بی چون و چرای اهل بیت علیهم السلام از این‌گونه گفتگو و محافل دونتیجه قطعی داشت:

۱. مهر تأییدی بود بر تبادل اندیشه و بحث‌های آزاداندیشی.

۲. منطقی و مستدل بودن اندیشه و معارف اهل بیت علیهم السلام. استقبال اهل بیت علیهم السلام از مباحث آزاد میان ادیان و مذاهب و حضور آنان در این میدان و مباحث، نشان می‌دهد که آنان مبانی اعتقادی اسلام را دارای پایه‌های برهانی و استوار می‌دانستند و اعتقاد داشتند که معارف دین با عقل سلیم و علم قابل دفاع است.

اطمینان آنان به حقانیت دین و واقع‌گرایی شریعت محمدی صلی الله علیه و آله و علمی بودن آن سبب شد تا تعمق و

امام نهم با نام «محمد» و کنیه‌اش «ابوجعفر» و لقب «تقی» و «جواد»، در نیمه ماه رجب ۱۹۵ هـ.ق در شهر مدینه دیده به جهان گشود. (۱)

مادر او «سبیکه»، از خاندان «ماریه قبطیه» همسر پیامبر اسلام، از نظر فضایل اخلاقی در درجه والایی قرار داشت و برترین زنان زمان خود بود، به طوری که امام رضا علیه السلام از او به عنوان بانویی منزه و پاکدامن و با فضیلت یاد می‌کرد. (۲)

حضرت در مجموع دوران امامت خود با دو خلیفه عباسی یعنی مأمون (۱۹۳ - ۲۱۸) و معتصم (۲۱۸ - ۲۲۷) معاصر بود.

«ابن حجر هیثمی» از علمای اهل سنت می‌نویسد: «مأمون او را به دامادی انتخاب کرد، زیرا با وجود کمی سن، از نظر علم و آگاهی و حلم بر همه دانشمندان برتری داشت.» (۳)

شبلنجی عالم دیگر اهل سنت می‌گوید: «مأمون پیوسته شیفته او بود، زیرا با وجود کمی سن، فضل و علم و کمال عقل خود را نشان داده، عظمت خود را آشکار ساخته بود.» (۴)

به بهانه نیمه رجب و سالروز ولادت آن حضرت، بر آنیم به این بحث بپردازیم که حضرت جواد علیه السلام یکی از مروجان بحث آزاداندیشی بوده است.

در مجموع امامان ما طرفدار بحث‌های آزاداندیشی

# السلام علیکم وعلیٰ آله وعلیٰ تبعکم

بقیه را رد می‌کردند.

از آنجا که نیل به مقام امامت امت در سن کودکی و خردسالی با عقل ظاهرین آنان قابل توجیه نبود، سئوالات دشوار و پیچیده‌ای را مطرح می‌کردند تا به خیال خام خود، آن حضرت را در میدان رقابت علمی شکست بدهند؛ ولی در همه بحث‌ها و مناظرات علمی، حضرت جواد علیه السلام (در پرتو علم امامت) با پاسخ‌های قاطع، هرگونه شک و تردیدی را در مورد امامت خود از بین برد و بدین ترتیب هم اصل امامت را تثبیت کرد و هم امامت خویش را به اثبات رساند.

به همین دلیل بعد از او در دوران امامت حضرت هادی علیه السلام (که او نیز در سن کودکی به امامت رسید) این موضوع مشکل ایجاد نکرد، زیرا برای همه روشن شده بود که خردسالی تأثیری در برخورداری از این منصب ندارد.

به عنوان نمونه به ارائه یکی از مناظرات آن حضرت اشاره می‌کنیم تا خوشه‌ای از خرمن علم و فضل و کمال عقل او برگیریم و فراروی اندیشه خویش قرار دهیم. (۶)

## مناظره امام جواد علیه السلام با یحیی بن اکثم

از امام جواد علیه السلام مناظرات متعددی نقل شده است که به عنوان نمونه به یکی از آنها که مختصر و مربوط به مسائل اعتقادی است اشاره می‌شود.

با تذکر این نکته که امام با حفظ تقیه، این مناظره را انجام داده است (۷).

بعد از آن که مأمون، ام‌الفضل را به تزویج حضرت جواد علیه السلام

ژرف‌نگری عقلی و پرسش‌های دینی را ارج نهند؛ پیروان خود را به تأمل و تدبر و مناظره و مباحثه علمی دعوت کنند و آنان را از باورهای سطحی و اعتقادات بی‌اساس و عملکردهای بی‌منطق و هرگونه حرکت بدون علم پرهیز دهند. (۵)

اوج‌گیری بیشتر این مباحثات و مناظرات در زمان حضرت جواد علیه السلام به دو دلیل بوده است:

۱. امام جواد علیه السلام نخستین امامی است که در کودکی و خردسالی به امامت رسید.

امامت ایشان به خاطر کمی سن برای بسیاری از شیعیان کاملاً ثابت نشده بود؛ هر چند بزرگان و علمای شیعه براساس عقیده تشیع هیچ شک و تردیدی در این زمینه نداشتند.

از این رو برای اطمینان خاطر و به عنوان آزمایش و امتحان پرسش‌های فراوانی از آن حضرت داشتند.

۲. در آن دوران قدرت «معتزله» افزایش یافته بود و مکتب اعتزال به اوج رواج و رونق خود گام رسیده بود. حکومت وقت هم، از آنان حمایت و پشتیبانی و از سلطه و نفوذ و امکانات مادی و معنوی حکومتی برای استواری و تثبیت خط فکری آنان و ضربه زدن به گروه‌های دیگر و تضعیف موقعیت و نفوذ آنان به هر شکلی بهره‌برداری می‌کرد.

معتزله در اعتماد بر عقل محدود و خطاپذیر بشر افراط و دستورها و مطالب دینی را به عقل خود عرضه می‌کردند و آنچه را که عقلشان صریحاً تایید می‌کرد می‌پذیرفتند و

# السَّلَامُ عَلَيَّ كَمَا أَهْلُ الْبَيْتِ فِيهِ

نشده و هرگز خدا را معصیت نکرده‌اند، حال آنکه آن دو مشرک بودند و بعد مسلمان شدند و اکثر عمر خود را در شرک به سر بردند. پس چگونه می‌توانند همسان جبرئیل و میکائیل باشند؟»

یحیی گفت: «در روایات آمده که آن دو (ابابکر و عمر) پیرمردان اهل بهشت‌اند، در این زمینه چه می‌گوئید؟»

حضرت فرمود: «این هم محال است، چون بهشتی‌ها همه جوانند و در آنجا پیرمردی وجود ندارد. این روایت را بنی‌امیه در مقابله با آن روایتی که می‌گوید: «حسن و حسین آقای جوانان بهشتی‌اند»، ساخته‌اند.»

یحیی گفت: «نقل شده که عمر چراغ اهل بهشت است.» حضرت فرمود: «این هم محال است، زیرا در بهشت فرشتگان مقرب، پیامبران، آدم و محمد صلی الله علیه و آله حضور دارند.

چگونه بهشت با نور آنها روشن نشده که نیاز به نور عمر باشد؟»

یحیی گفت: «نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اگر من مبعوث نمی‌شدم، عمر به جای من مبعوث می‌شد.» حضرت فرمود: «قرآن راستگوتر از این حدیث است، آنجا که می‌فرماید: «و هنگامی که از پیامبران پیمان گرفتیم و از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی بن مریم و ما از همه آنان پیمان محکمی گرفتیم.» (۱۰)

آن گاه چگونه پیمان خداوند عوض می‌شود؟ [از این گذشته] پیامبران یک چشم به هم زدن مشرک نشدند، چگونه کسی به رسالت مبعوث می‌شود، در حالی که اکثر

درآورد، یحیی بن اکثم (۸) (یکی از علمای اهل سنت) با سئوالات بسیاری نزد آن حضرت و مأمون آمد. یحیی عرض کرد: «ای پسر رسول خدا! نظر شما درباره روایتی که [در مدارک اهل سنت] نقل شده است که خداوند جبرئیل را فرستاد تا از پیامبر صلی الله علیه و آله بخواهد که از ابابکر سؤال کند که آیا او از خداوند راضی هست یا نه؟ با این که خداوند از او راضی است، چیست؟»

امام جواد علیه السلام فرمود: «من منکر فضیلت ابابکر نیستم، ولی بر ناقل این سطور لازم است که طبق دستور پیامبر صلی الله علیه و آله عمل کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حجه الوداع فرمود: «بعد از من جاعلان حدیث فراوان می‌شوند، لذا باید احادیث را بر قرآن و احادیث عرضه کنید. هر حدیثی که موافق قرآن و سنت من باشد به آن عمل کنید و اگر مخالف آن دو بود، بدان عمل نشود.»

این خبر موافق با قرآن نیست، زیرا خداوند می‌فرماید: «ما انسان را آفریدیم و وسوسه‌های نفس او را می‌دانیم و ما از رگ قلبش به او نزدیک‌تریم.» (۹)

آنگاه چگونه می‌شود خداوند از رضایت و غضب ابابکر نسبت به خود بی‌خبر باشد تا نیاز به سؤال داشته باشد؟ این عقلاً محال است.»

یحیی گفت: «روایت شده که ابابکر و عمر در زمین مانند جبرئیل و میکائیل در آسمان هستند.» حضرت فرمود: «در این حدیث هم باید دقت کرد، زیرا آن دو فرشته از فرشتگان مقرب هستند و لحظه‌ای از طاعت خدا جدا

# السلام علیکم یا اهل البیت

عمر خود را در شرک به سر برده است؟»

## پی نوشتها

۱. ر.ک: طبرسی، اعلام الوری، (تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم) ص ۳۴۴، بعضی ولادت آن حضرت را در ماه مبارک رمضان سال ۱۹۵ می دانند. ر.ک: شیخ مفید، الارشاد، (قم، مکتبه بصیرتی) ص ۳۱۶

۲. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، (مکتبه الاسلامیه)، ج ۵، ص ۱۵۰

۳. الصواعق المحرقة، (قاهره، مکتبه القاهره، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ه. ق)، ص ۲۰۵

۴. شبلنجی، نور الابصار، (قاهره، مکتبه المشهد الحسینی)، ص ۱۶۱

۵. ر.ک: امام علی بن موسی الرضا، تدوین جواد معینی - احمد ترابی، بنیاد پژوهش های اسلامی، مشهد، دوازدهم، ۱۳۸۶، ص ۱۵۲

۶. سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی، مؤسسه امام صادق، قم، ۱۳۷۴، ص ۵۴۳ پاورقی.

۷. احمد طبرسی، الاحتجاج، (قم، انتشارات اسوه، چاپ اول، ۱۴۱۳)، ج ۲، ص ۴۸۱

۸. یحیی یکی از دانشمندان نامدار زمان مأمون خلیفه عباسی بود که شهرت علمی او در رشته های گوناگون علوم آن زمان زبانزد خاص و عام بود. او در علم فقه تبحر فوق العاده ای داشت و با آنکه مأمون خود از نظر علمی

یحیی گفت: «در روایت آمده که پیغمبر ﷺ فرمود: اگر عذاب نازل شود، جز عمر کسی از آن رهایی نمی یابد.» حضرت فرمود: «این هم محال است، زیرا خداوند می فرماید: «خداوند تا تو (پیامبر) در میان آنها باشی، آنها را عذاب نخواهد کرد و مادامی که به درگاه خدا توبه و استغفار کنند، [باز هم] آنها را عذاب نخواهد کرد.» (۱۱)

می بینید که برای نزول عذاب دو مانع ذکر شده است و لاغیر.

۱. وجود مبارک پیامبر ﷺ در بین مردم.

۲. توبه و استغفار مردم.» (۱۲)

انجام این مناظره و پیروزی امام جواد علیه السلام چند پیامد مثبت داشت:

۱. با توجه به اینکه امام جواد علیه السلام در خردسالی به امامت رسید، عباسیان فکر می کردند که ایشان از نظر علمی ناتوان است و از این رو با ترتیب چنین مناظراتی سعی می کردند شخصیت وی را خرد کنند.

پیروزی امام در مناظره با پاسخ های قاطع، هرگونه شک و تردید را در مورد پیشوایی ایشان و اصل امامت از بین برد.

۲. این مناظره خط بطلانی بر بسیاری از احادیث جعلی کشید. احادیثی که به دستور حاکمان غاصب و برای تثبیت حکومت غصبی آنان توسط عده ای انسان خود فروخته جعل و موجب انحراف در امت اسلامی شده بود.

# السَّلَامُ عَلَيَّ كَمَا أَهْلُ الْبَيْتِ فِيهِ

وزنه بزرگی بود، ولی چنان شیفته مقام علمی یحیی بود که اداره امور مملکت را به عهده او گذاشت و با حفظ سمت؛ مقام قضا را نیز به وی واگذار کرد. یحیی علاوه بر اینها دیوان محاسبات و رسیدگی به فقرا را نیز به عهده داشت. خلاصه تمام کارهای کشور اسلامی پهناور آن روز زیر نظر او بود و چنان در دربار مأمون تقرب یافته بود که گویی نزدیک تر از او به مأمون نبود. اما متأسفانه یحیی با آن مقام علمی از شخصیت معنوی برخوردار نبود. او علم را برای رسیدن به مقام و شهرت و به منظور فخر فروشی و برتری جویی فراگرفته بود، اما در مقابل حضرت جواد علیه السلام نتوانست قد علم کند.

۹. ولقد خلقنا الانسان و نعلم ما توسوس به نفسه ونحن اقرب اليه من حبل الوريد.»

۱۰. احزاب/۷، «واذ اخذنا من النبيين ميثاقهم و منك و من نوح و ابراهيم و موسى و عيسى ابن مريم و اخذنا منهم ميثاقا غليظا.»

۱۱. انفال/۳۳

۱۲. احتجاج، (پیشین)، ج ۲، ص ۴۷۷ - ۴۸۰



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ  
وَالَّذِي يُضَوِّتُ النَّجْمَ  
وَالَّذِي يُرْسِدُ الْوَالِدَ  
الْيَتِيمَ إِلَى الْإِنْتِهَاءِ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ  
وَالَّذِي يُضَوِّتُ النَّجْمَ  
وَالَّذِي يُرْسِدُ الْوَالِدَ  
الْيَتِيمَ إِلَى الْإِنْتِهَاءِ

